

Explaining and Presenting a Conceptual Model of Transcendent Governance Based on Islamic Teachings Using the Trident Model

Ali Omidi¹

Abstract

The purpose of this study is to conceptualize transcendent governance and to develop a comprehensive conceptual model grounded in Islamic religious teachings using the Trident Model. This research seeks to draw upon the theoretical foundations of Islam to propose a value-based and indigenous governance framework capable of addressing the contemporary challenges faced by governance systems in Islamic societies. This study is fundamental–applied in purpose and qualitative in nature. To achieve an in-depth understanding of the dimensions and components of transcendent governance based on Islamic teachings, a qualitative meta-synthesis approach was employed. Initially, a systematic search of relevant scientific literature on transcendent governance, organizational vitality and dynamism, and their contributing factors was conducted across reputable academic databases using a four-criterion protocol. Following screening and quality appraisal, 31 eligible studies were selected for final analysis. Simultaneously, research data were collected through documentary analysis, qualitative content analysis of religious texts -including the Holy Qur'an, authentic narrations, and primary Islamic sources - as well as the theoretical literature on governance. Subsequently, using qualitative content analysis and a conceptual analysis approach, the extracted components were organized and synthesized. In the final stage, the Trident Model was applied to classify the identified dimensions and factors into three categories - behavioral, structural, and contextual - and to present them in the form of an integrated conceptual model explaining Islamic transcendent governance. The findings indicate that transcendent governance grounded in Islamic teachings can be explained through three interrelated

1. PhD in Public Administration, Organizational Behavior, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
a-omidi@farabi.tums.ac.ir

dimensions: structural-institutional, content-based (behavioral), and contextual-environmental. These dimensions encompass transparent and accountable mechanisms, ethical and value-driven behaviors of managers, and contextual foundations such as trust, legitimacy, and social capital. The results demonstrate that the coherent interaction of these three dimensions leads to vitality, dynamism, and the elevation of governance systems. Furthermore, model validation using expert judgment and Cohen's Kappa coefficient confirms the scientific rigor and reliability of the proposed framework.

Keywords: Transcendent Governance; Islamic Teachings; Trident Model; Conceptual Framework; Islamic Governance

تبیین و ارائه الگوی مفهومی حکمرانی متعالی بر اساس آموزه‌های اسلامی؛ با استفاده از الگوی سه‌شاخگی

علی امیدي^۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰

چکیده

هدف این پژوهش، تبیین مفهوم حکمرانی متعالی و ارائه الگوی مفهومی جامع مبتنی بر آموزه‌های دینی - اسلامی با استفاده از الگوی سه‌شاخگی است. این مطالعه در پی آن است تا با بهره‌گیری از مبانی نظری اسلام، چارچوبی بومی و ارزش‌محور برای حکمرانی ارائه کند که بتواند پاسخگوی چالش‌های معاصر نظام‌های حکمرانی در جوامع اسلامی باشد. پژوهش از نظر هدف، بنیادی - کاربردی و از حیث روش، کیفی است. به‌منظور دستیابی به شناختی عمیق از ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، از روش کیفی فراترکیب استفاده شده است. بدین منظور، ابتدا با اتکا به یک شیوه‌نامه چهارمعیاره، جستجوی نظام‌مند منابع علمی مرتبط با مفاهیم حکمرانی متعالی، سرزندگی و پویایی سازمانی و عوامل سازنده آن در پایگاه‌های معتبر علمی انجام شد. پس از غربالگری و روایی‌سنجی مطالعات، سرانجام ۳۱ مقاله واجد شرایط انتخاب شد و مورد تحلیل قرار گرفت. هم‌زمان، داده‌های پژوهش از طریق مطالعه اسنادی، تحلیل محتوای متون دینی شامل قرآن کریم، روایات معتبر و منابع اصیل اسلامی و نیز ادبیات نظری حکمرانی گردآوری شد؛ سپس با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کیفی و رویکرد تحلیل مفهومی، مؤلفه‌های استخراج‌شده سازمان‌دهی شد. در مرحله نهایی، با به‌کارگیری الگوی سه‌شاخگی، ابعاد و عوامل شناسایی‌شده در سه بُعد رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای طبقه‌بندی، و در قالب الگوی مفهومی منسجم برای تبیین حکمرانی متعالی اسلامی ارائه شد. بر اساس یافته‌ها، حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در سه بعد ساختاری - نهادی، محتوایی - رفتاری و زمینه‌ای - بستری قابل تبیین است. این ابعاد شامل سازوکارهای شفاف و پاسخگو، رفتارهای اخلاق‌محور و ارزش‌محور مدیران و بسترهای اعتماد، مشروعیت و سرمایه اجتماعی است. یافته‌ها نشان می‌دهد تعامل هماهنگ این سه بعد به سرزندگی، پویایی و تعالی نظام حکمرانی منجر می‌شود؛ همچنین، اعتبارسنجی الگو با نظر خبرگان و ضریب کاپا، صحت علمی و قابلیت اتکای الگو را تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی: حکمرانی متعالی، آموزه‌های اسلامی، الگوی سه‌شاخگی، الگوی مفهومی، حکمرانی اسلامی.

۱. دکتری مدیریت دولتی، گرایش رفتار سازمانی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی تهران، تهران، ایران
a-omidi@farabi.tums.ac.ir

مقدمه

مفهوم حکمرانی در ادبیات علمی به عنوان چارچوبی برای فهم فرایندهای تصمیم‌گیری، مشارکت نهادها و تعامل میان بازیگران اجتماعی مطرح است (Rahbarqazi & Ebrahimi, 2025). در سال‌های اخیر، توجه به «حکمرانی خوب» به عنوان ابزاری راهبردی برای تضمین عدالت، پاسخگویی و توسعه پایدار در نظام‌های اجتماعی و سیاسی افزایش یافته است؛ با این حال بسیاری از این چارچوب‌ها بر رویکردهای سکولار و غربی مبتنی است که ممکن است با بستر فرهنگی و اعتقادی جوامع اسلامی فاصله داشته باشد (Zaman, 2020). در برابر، حکمرانی از دید اسلامی، در منابع دینی و آموزه‌های اسلامی ریشه‌های عمیق دارد و بر مجموعه‌ای از ارزش‌های هنجاری مانند عدالت، امانت‌داری، شفافیت و مشارکت مردم تأکید می‌کند (Bernido, 2025). این ارزش‌ها نه تنها در تحلیل نظری حکمرانی اهمیت دارد، بلکه می‌تواند مبنای تدوین الگوهای عملی برای طراحی نظام‌های حکمرانی در جوامع اسلامی باشد. با وجود تلاش‌های پژوهشی گوناگون در زمینه حکمرانی اسلامی و ویژگی‌های آن، همچنان نبود الگوی مفهومی یکپارچه و نظام‌مند احساس می‌شود که اصول دینی را به شیوه‌ای منطبق با نیازهای معاصر تلفیق کند. مطالعات نشان داده است که رویکردهای مبتنی بر مقاصد شریعت^۱ می‌تواند چارچوبی ارزشمند برای فهم و بازتعریف حکمرانی اسلامی در رویارویی با چالش‌های معاصر فراهم آورد (Omidi, Arbab, & Eslam, 2025). با این حال، ادغام این مفاهیم در قالب الگوی مفهومی ساخت‌یافته که بتواند عناصر هنجاری، نهادی و کارکردی حکمرانی را به هم پیوند دهد، نیازمند پژوهش‌های نظری و بنیادی بیشتری است. از سوی دیگر، تولید دانش بومی در موضوعات حکمرانی اسلامی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از تلاش برای تحقق تمدن نوین اسلامی مطرح شده است، به طوری که بدون تدوین الگوهای نظری منسجم و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، دستیابی به این هدف دشوار خواهد بود (Al-Ramahi, Almubaydeen, & Al-Farraj, 2025). این موضوع بیانگر نیاز به رویکردی است که هم عمق فرهنگی و دینی جامعه را لحاظ کند و هم کارآمدی نظری و عملی برای پاسخ به مسائل نظم اجتماعی و حکمرانی معاصر داشته باشد. تحولات پیچیده و چندبعدی جوامع معاصر، نظام‌های حکمرانی را با چالش‌هایی مانند کاهش اعتماد عمومی، ناکارآمدی نهادی و گسست میان ارزش‌ها و عملکرد روبه‌رو ساخته است. در این میان، الگوهای رایج حکمرانی، بیشتر بر مبانی معرفتی و هنجاری سکولار مبتنی است و

1. Maqasid al-shariah

همخوانی کامل با نظام ارزشی جوامع اسلامی ندارد. از این رو، بازاندیشی در مبانی حکمرانی و ارائه چارچوب‌هایی بومی و ارزش‌محور مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، ضرورتی علمی و عملی به‌شمار می‌آید. با وجود غنای منابع دینی اسلام در حوزه مفاهیم مرتبط با حکمرانی، پژوهش‌های موجود اغلب فاقد الگوی مفهومی منسجم و نظام‌مند است که بتواند اصول هنجاری اسلامی را با سازوکارهای نهادی و کارکردهای عملی حکمرانی پیوند دهد. این خلأ نظری، کاربست عملی آموزه‌های اسلامی در سیاست‌گذاری و مدیریت عمومی را با محدودیت روبه‌رو کرده است. این پژوهش با بهره‌گیری از الگوی سه‌شاخگی، می‌کوشد برای حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی الگویی مفهومی ارائه کند تا بتواند به توسعه ادبیات علمی حکمرانی اسلامی و ارتقای امکان اجرایی آن در نظام‌های حکمرانی معاصر کمک کند. اگرچه ادبیات فقهی و الهیاتی، منابع غنی را برای فهم حکمرانی اسلامی ارائه کرده است، اما نبود الگوی مفهومی جامع و نظام‌مند که بتواند اصول هنجاری، سازوکارهای نهادی و پیامدهای عملی حکمرانی متعالی را در چارچوبی یکپارچه تلفیق کند، یکی از مهم‌ترین خلاهای نظری در این حوزه است. این نقص سبب می‌شود که مفاهیم اسلامی حکمرانی در سطح عملی و سیاست‌گذاری‌های کلان به‌صورت نظری باقی بماند و امکان کاربرد مستقیم در نظام‌های حکمرانی موجود محدود شود.

سؤال اصلی پژوهش: چگونه می‌توان یک الگوی مفهومی حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی تدوین کرد که از طریق الگوی سه‌شاخگی عناصر هنجاری، نهادی و عملی را در چارچوبی یکپارچه تلفیق کند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حکمرانی متعالی

حکمرانی از نظر لغوی، اسم مصدر از مصدر «حکومت کردن» است. در منابع فارسی و مقالات مرتبط با فلسفه علوم اجتماعی و سیاسی، علوم سیاسی، تنظیم‌گری حوزه عمومی، سیاست‌گذاری فرهنگی - اجتماعی، مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی، در سال‌های اخیر، واژه «Governance» معادل «حکمرانی» به‌کار رفته است (Rahim, Saadin, & Mohd, 2023).

حکمرانی متعالی^۱ بیانگر تحولی در رهبری و فرایندهای تصمیم‌گیری است که فراتر از رویکردهای مبادله‌ای و تحول‌آفرین حرکت می‌کند و به الگویی جمعی و مشارکتی نزدیک می‌شود. این نوع حکمرانی شامل مشارکت گسترده گروه‌های گوناگون، ایجاد فضای اعتماد، اشتراک اطلاعات و تصمیم‌گیری جمعی است (Gardiner, 2006). با گسترش دولت الکترونیک، فرایند حکمرانی از مرحله یکپارچگی که در آن ترتیبات بین سازمانی مشخص است، به مرحله متعالی که با شبکه‌های بین‌فردی تعریف می‌شود، پیشرفت می‌کند (Estermann, Riedl, & Neuron, 2009).

حکمرانی متعالی با مفهوم حکمرانی دگرگون‌کننده نیز همسو است؛ این نوع حکمرانی با هدف تغییر فعالانه نظام‌های اجتماعی - اکولوژیکی تخریب‌شده به ساختارهای مطلوب‌تر، تغییر ساختارها و فرایندهای سیستم را دنبال می‌کند (Chaffin, Gosnell, & Cosens, 2016). چنین رویکردی مستلزم افزایش تحمل ریسک، سرمایه‌گذاری سامانمند و بازسازی روابط قدرت است. سرانجام، حکمرانی متعالی نمایانگر تغییر از تصمیم‌گیری توسط رهبر واحد به رهبری مبتنی بر اراده جمعی است (Gardiner, 2006).

استوکر^۲ (۱۹۹۸) حکمرانی را از چند دیدگاه تعریف کرده است:

الف) حکمرانی مجموعه پیچیده‌ای از نهادها و کنشگرانی است که منشأ آن‌ها هم دولت و هم فراتر از آن است.

ب) حکمرانی شامل شناسایی و تقسیم مسئولیت‌ها و مرزهای کنشگران در رویارویی با مسائل اجتماعی و اقتصادی است.

پ) حکمرانی نشان‌دهنده وابستگی قدرت در روابط میان نقش‌آفرینان برای کنش جمعی است.

ت) حکمرانی شبکه‌های خودحکمران مستقلی متشکل از کنشگران است.

ث) حکمرانی ظرفیتی را ارائه می‌کند که انجام کارها به قدرت دولت برای فرماندهی یا اعمال اختیار بستگی ندارد.

ج) حکمرانی دولت را دارای صلاحیت لازم برای بهره‌گیری از ابزارها و فنون نوین می‌داند که برای راهبری و هدایت جامعه ضروری است.

در ادبیات حکمرانی عمومی نوین^۱، رویکردهایی چون حکمرانی شبکه‌ای^۲، حکمرانی چندسطحی^۳ و حکمرانی مشارکتی^۴ مورد تأکید قرار گرفته است. تورفینگ^۵ (۲۰۲۳) حکمرانی عمومی را ترکیبی از رهبری تعاملی، ایجاد ارزش عمومی و هماهنگی میان‌سازمانی تعریف می‌کند که مبنای نظری مناسبی برای گسترش مفهوم حکمرانی متعالی فراهم می‌آورد؛ همچنین کاتالدی^۶ (۲۰۲۴) با تفسیر نقادانه حکمرانی عمومی نوین، آن را روایتی ترکیبی از مدیریت، حکمرانی و اصلاحات می‌داند که به تدریج با مدیریت عمومی نوین ادغام شده است.

حکمرانی متعالی با وجود ارتباط محکم با نظریات سازمان و مدیریت، تنها یک رویکرد مدیریت سازمانی تلقی نمی‌شود، بلکه چارچوبی فراسازمانی و ناظر به تعامل دولت، نهادها و جامعه است. این نوع حکمرانی فراتر از قوانین و مقررات سنتی رفتار می‌کند و بر اصول اخلاقی، مسئولیت‌پذیری، شفافیت و تعهد نسبت به ذی‌نفعان تأکید می‌کند. حکمرانی متعالی به نظام‌های حکمرانی کمک می‌کند تا نه تنها به اهداف کوتاه‌مدت خود دست یابند، بلکه در بلندمدت به پایداری و تعالی نظام اجتماعی نیز نائل شوند. با ایجاد تعادل میان منافع اقتصادی، اجتماعی و محیطی، حکمرانی متعالی نهادهای حاکم را قادر می‌سازد تا به‌عنوان ساختارهایی مسئولیت‌پذیر و پایدار در جامعه رفتار کنند (Rahim, Saadin, & Mohd, 2023).

ابعاد حکمرانی متعالی

۱. مسئولیت‌پذیری اجتماعی: حکمرانی متعالی بر مجموعه‌ای از اصول کلیدی تأکید می‌کند که نظام‌های حکمرانی را در مسیر پایداری و مسئولیت‌پذیری هدایت می‌کند. مسئولیت اجتماعی، به این معنا که نهادهای حاکم و کارگزاران عمومی در برابر جامعه و شهروندان موظف به ایفای تعهدات خود هستند (Bovens, 2010; Pierre & Peters, 2020).

۲. شفافیت: در سطح حکمرانی عمومی، شفافیت به معنای دسترسی شهروندان، رسانه‌ها و نهادهای نظارتی به اطلاعات مربوط به فرایندهای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری‌های دولتی و عملکرد نهادهای عمومی است (Cruz Romero, 2023). شفافیت یکی از ارکان بنیادین حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود و با مفاهیمی چون پاسخگویی، اعتماد عمومی و مشروعیت نظام حکمرانی پیوندی ناگسستنی دارد (Bovens, 2010;)

1. New Public Governance
2. Network Governance
3. Multi-Level Governance
4. Collaborative Governance
5. Torfing
6. Cataldi

Cruz Romero, 2023). بر خلاف رویکرد حکمرانی شرکتی که شفافیت را بیشتر در خدمت منافع سهامداران تعریف می‌کند، در حکمرانی عمومی، شفافیت زمینه‌ساز نظارت عمومی، کاهش فساد و تحقق عدالت رویه‌ای است (Cruz Romero, 2023).

۳. عدالت و انصاف: عدالت و انصاف که تضمین توزیع منصفانه منابع و فرصت‌ها بین ذی‌نفعان گوناگون را ممکن می‌سازد (Rahim, Saadin, & Mohd, 2023).

۴. تعهد به ذی‌نفعان: به این معنا که سازمان‌ها باید نیازها و انتظارات کارکنان، مشتریان، سرمایه‌گذاران و جامعه را مدنظر قرار دهند (Koen & Bouckaert, 2007).

۵. پایداری: که دستیابی به اهداف بلندمدت و تأمین منافع مداوم سازمان و جامعه را تضمین می‌کند (Muff & Liechti, 2021).

اهمیت حکمرانی متعالی

حکمرانی متعالی در سطح عمومی به نظام‌های حاکمیت ملی، نهادهای دولتی و شبکه‌های سیاست‌گذاری این امکان را می‌دهد که در محیط‌های پیچیده و پویای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، عملکردی پایدار، اثربخش و مشروع داشته باشند. این رویکرد نه تنها سبب تقویت تعامل و روابط سازنده میان دولت، شهروندان و نهادهای مدنی می‌شود، بلکه اعتماد عمومی به نظام حکمرانی را نیز افزایش می‌دهد (Pierre & Peters, 2020; Rhodes, 1996). حکمرانی متعالی با تأکید بر پاسخگویی، شفافیت، مشارکت و مشروعیت، به عنوان چارچوبی برای رویارویی با چالش‌هایی مانند کاهش سرمایه اجتماعی، ناکارآمدی نهادی و بحران مشروعیت در نظام‌های حکمرانی معاصر رفتار می‌کند (Stoker, 1998; Bovens, 2010). بر خلاف رویکردهای حکمرانی شرکتی که بیشتر بر موفقیت سازمانی و منافع سهامداران متمرکز است، حکمرانی متعالی در سطح عمومی به دنبال تحقق خیر عمومی، عدالت اجتماعی و پایداری نهادی در مقیاس جامعه است (Levi-Faur, 2012; Torfing et al., 2012).

حکمرانی اسلامی

حکمرانی اسلامی^۱ مفهومی میان‌رشته‌ای است که از پیوند آموزه‌های فقه سیاسی اسلام، اندیشه سیاسی مسلمانان و نظریه‌های معاصر حکمرانی شکل گرفته است (براتی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۴). این مفهوم به شیوه‌ای از اداره امور عمومی اشاره می‌کند که در آن ساختارها، فرایندها و کارگزاران حکومتی بر اساس ارزش‌های الهی، عدالت، کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی سامان می‌یابند (ملکی

و همکاران، ۱۴۰۳). در حکمرانی اسلامی، قدرت سیاسی امانت الهی تلقی می‌شود و مشروعیت آن افزون بر مقبولیت مردمی، بر انطباق با شریعت و مقاصد آن مبتنی است (امیدی و همکاران، ۱۴۰۴). ازجمله آثار بنیادین در حکمرانی اسلامی می‌توان به مطالعات اسدالزمان^۱ (۲۰۲۰) در حوزه مقاصد شریعت و مازلی مالک^۲ (۲۰۱۹) در زمینه حاکمیت شرعی اشاره کرد که در این پژوهش مبنا قرار گرفته است.

مبانی معرفتی و ارزشی حکمرانی اسلامی: مبانی نظری حکمرانی اسلامی در جهان‌بینی توحیدی ریشه دارد. اصل توحید، زیربنای وحدت در قانون‌گذاری، اخلاق و سیاست به‌شمار می‌رود و مانع خودبنیادی قدرت سیاسی می‌شود. از این دید، حاکمیت مطلق متعلق به خداوند است و انسان به‌عنوان خلیفه الهی مسئول تحقق عدالت و عمران اجتماعی در زمین است (Rahim, Saadin, & Mohd, 2023).

عدالت (قسط) به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حکمرانی اسلامی شناخته می‌شود و نه تنها به‌عنوان هدف نهایی حکومت مطرح است، بلکه معیاری برای سنجش کارآمدی و اثربخشی نظام حکمرانی نیز به‌شمار می‌آید. علاوه بر عدالت، ارزش‌هایی همچون کرامت انسانی، آزادی مسئولانه، برابری حقوقی و رعایت مصالح عمومی (مصلحت) چارچوب هنجاری و اخلاقی حکمرانی اسلامی را شکل می‌دهند (Ahmad, Qamar, Bhatti, & Bashir, 2023).

اصول و مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی: مطالعات نشان می‌دهد که حکمرانی اسلامی مؤلفه‌هایی دارد که با نظریه‌های نوین حکمرانی هم‌پوشانی مفهومی دارد، اما از پشتوانه ارزشی ویژه و متفاوتی برخوردار است. از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها می‌توان به مشروعیت دوگانه (الهی - مردمی) اشاره کرد، به‌گونه‌ای که مشروعیت در حکمرانی اسلامی همزمان مبتنی بر رضایت و مقبولیت عمومی و التزام به شریعت و ارزش‌های دینی است (Fatmawati, Ariffin, Abidin, & Osman, 2022).

مطالعات نشان می‌دهد که حکمرانی اسلامی بر چند مؤلفه کلیدی مبتنی است که هر یک نقش مهمی در تحقق حکمرانی متعالی ایفا می‌کنند. نخست، اصل شورا و مشارکت بیانگر نقش فعال مردم و نخبگان در فرآیند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است (Fatmawati, Ariffin, Abidin, & Osman, 2022). دوم، پاسخ‌گویی و نظارت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌گونه‌ای که حاکمان

1. Asad Zaman
2. Mazli Malik

در برابر خداوند، مردم و قانون مسئولیت دارند و نظارت عمومی و نهادی نقش اساسی ایفا می‌کند (Rahim, Saadin, & Mohd, 2023). سوم، حاکمیت قانون الهی به معنای آن است که قوانین و مقررات باید با مقاصد شریعت، از جمله حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال همسو باشد (Fatmawati, Ariffin, Abidin, & Osman, 2022). سرانجام، کارآمدی و عدالت اجتماعی، شامل تحقق رفاه عمومی، کاهش نابرابری و صیانت از حقوق اقشار آسیب‌پذیر، از الزامات بنیادی حکمرانی اسلامی به شمار می‌رود (Rahim, Saadin, & Mohd, 2023).

ارتباط بین حکمرانی متعالی و حکمرانی اسلامی

در ادبیات معاصر حکمرانی، توجه به رویکردهای ارزشی و غایت‌محور در پاسخ به چالش‌های پیچیده اجتماعی، سیاسی و اخلاقی نظام‌های حکمرانی افزایش یافته است. در این میان، مفاهیم «حکمرانی اسلامی» و «حکمرانی متعالی» به عنوان دو چارچوب هنجاری، بر پیوند قدرت، اخلاق و تعالی انسانی تأکید دارند. تبیین رابطه مفهومی میان این دو رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز فهم عمیق‌تر از الگوهای بومی و ارزش‌محور حکمرانی و ظرفیت آن‌ها در رویارویی با مسائل حکمرانی معاصر باشد. **هم‌پوشانی مفهومی و غایت‌محور:** از این دید، حکمرانی اسلامی را می‌توان یکی از مصداق‌های عمیق و هنجاری حکمرانی متعالی دانست که از پشتوانه معرفتی و وحیانی برخوردار است (Auda, 2008; Zaman, 2020). این دیدگاه با رویکرد نظام‌مند به مقاصد شریعت و تأکید بر غایت‌محوری در حکمرانی اسلامی همسو است (Auda, 2008) و در مطالعات معاصر حکمرانی نیز مورد تأیید قرار گرفته است (Pierre & Peters, 2000; Levi-Faur, 2012).

پیوند اخلاق، قدرت و مسئولیت: یکی از نقاط اتصال اساسی میان حکمرانی اسلامی و حکمرانی متعالی، پیوند ناگسستنی قدرت سیاسی با اخلاق و مسئولیت است. در حکمرانی اسلامی، قدرت امانتی الهی تلقی می‌شود و حاکمان در برابر خداوند، مردم و قانون پاسخگو هستند. به طور مشابه، حکمرانی متعالی نیز مشروعیت و پایداری نظام حکمرانی را در گرو التزام اخلاقی کارگزاران، صداقت، امانت‌داری و عدالت می‌داند. بدین ترتیب، هر دو رویکرد با نقد نگاه ابزارانگانه به سیاست، بر ضرورت اخلاق‌محوری در فرایند تصمیم‌گیری و اجرا تأکید می‌کنند (Ahmad, 2020; Qamar, Bhatti, & Bashir, 2023; Hörisch, Freeman, & Schaltegger, 2020).

عدالت به مثابه محور مشترک: عدالت، محور نظری مشترک و بنیادین در هر دو الگوی حکمرانی اسلامی و حکمرانی متعالی است. در حکمرانی اسلامی، عدالت نه تنها هدف نهایی، بلکه معیار

مشروعیت و کارآمدی حکومت به‌شمار می‌رود. حکمرانی متعالی نیز عدالت را در ابعاد توزیعی، رویه‌ای و اجتماعی شرط تحقق خیر عمومی و انسجام اجتماعی می‌داند. از این دید، عدالت حلقه واسطی است که حکمرانی اسلامی را از سطح هنجارهای دینی به سطحی فراگیر و قابل گفت‌وگو با نظریه‌های جهانی حکمرانی ارتقا می‌دهد (عابدی درچه و همکاران، ۲۰۲۲).

انسان‌شناسی مشترک و نگاه تعالی‌گرا: هر دو رویکرد، بر انسان‌شناسی چندبعدی استوار هستند و انسان را تنها کنشگری اقتصادی یا سیاسی تلقی نمی‌کنند. در حکمرانی اسلامی، انسان به‌عنوان خلیفه الهی، شأن معنوی و مسئولیت اجتماعی دارد. در حکمرانی متعالی نیز انسان موجودی اخلاقی و معنادار فرض می‌شود که سیاست و حکمرانی باید زمینه رشد و شکوفایی همه‌جانبه او را فراهم آورد. این اشتراک انسان‌شناختی، زمینه‌ساز تأکید مشترک بر آموزش اخلاقی، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در نظام حکمرانی است (عابدی درچه و همکاران، ۲۰۲۲).

حکمرانی اسلامی به‌مثابه چارچوب بومی حکمرانی متعالی: در جمع‌بندی می‌توان گفت حکمرانی اسلامی، چارچوبی بومی، هنجاری و تمدنی برای تحقق حکمرانی متعالی در جوامع اسلامی فراهم می‌آورد. در حالی که حکمرانی متعالی مفهومی عام و قابل استفاده در فضای نظری جهانی است، حکمرانی اسلامی با ارائه مبانی و حیانی، اصول فقهی و مقاصد شریعت، محتوای ارزشی و عملیاتی لازم برای عینیت‌بخشی به حکمرانی متعالی را تأمین می‌کند؛ بنابراین، نسبت این دو مفهوم، نسبتی تکمیلی و هم‌افزا است که می‌تواند مبنای طراحی الگوهای نوین حکمرانی در جهان معاصر قرار گیرد (مرزبان و همکاران، ۲۰۲۴).

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران به ابعاد ارزشی، اخلاقی و غایت‌محور حکمرانی در چارچوب آموزه‌های اسلامی افزایش یافته است. مطالعات کوشیده‌اند با تکیه بر مفاهیمی چون مقاصد شریعت، عدالت، مسئولیت اخلاقی و کرامت انسانی، ظرفیت‌های نظری حکمرانی اسلامی را برای پاسخگویی به چالش‌های حکمرانی معاصر تبیین کنند. با این حال، مرور نظام‌مند این پژوهش‌ها بیانگر آن است که همچنان خلأ ارائه الگوی مفهومی جامع و یکپارچه از حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی وجود دارد.

آوده^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «مقاصد شریعت به مثابه فلسفه حقوق اسلامی: رویکردی سیستمی» نشان داد که حکمرانی اسلامی می‌تواند از سطح قواعد حقوقی فراتر رفته و به الگویی غایت‌محور برای مدیریت جامعه و تحقق تعالی انسانی تبدیل شود؛ الگویی که در آن ارزش‌های هنجاری، ساختارها و پیامدهای حکمرانی به صورت یکپارچه قابل تبیین است.

راحیم و همکاران^۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «تأثیر افشای حاکمیت اسلامی بر عملکرد مالی بانک‌های اسلامی در مالزی» نشان دادند که افشای حاکمیت اسلامی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی بانک‌های اسلامی در مالزی دارد و شفافیت و پایداری به اصول حاکمیت اسلامی سبب بهبود اعتماد ذی‌نفعان و کارایی مالی بانک‌ها می‌شود.

علی‌پور و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی عمومی، برنامه‌ریزی توسعه و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» تأکید می‌کنند که نبود الگوهای مفهومی چندبعدی، یکی از خلأهای اساسی مطالعات حکمرانی اسلامی است و تلفیق مبانی ارزشی با سازوکارهای نهادی را شرط تحقق حکمرانی پیشرفته و متعالی می‌دانند.

بهرامی (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «پیامدهای حکومتی عدالت‌محوری در حکمرانی اسلامی» با استفاده از روش تحلیل محتوا، نشان دادند که عدالت، شفافیت و پاسخگویی هسته مرکزی حکمرانی اسلامی را تشکیل می‌دهد؛ مؤلفه‌هایی که با شاخه «ارزش‌ها و مبانی هنجاری» در الگوی سه‌شاخگی هم‌راستا است.

غفاری و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با عنوان «پویایی‌شناسی الگوی حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران» نشان دادند که بدون توجه هم‌زمان به ارزش‌ها، ساختارهای نهادی و پیامدهای اجتماعی، امکان طراحی الگوی جامع حکمرانی وجود ندارد؛ هرچند پژوهش آنان به‌طور ویژه بر مفهوم حکمرانی متعالی تمرکز نداشته است.

موسوی اصل (۲۰۲۵) در پژوهشی نظری با عنوان «غایت حکومت در فلسفه سیاسی اسلام» بیان می‌کند که حکمرانی اسلامی تنها ابزاری برای اداره امور عمومی نیست، بلکه سازوکاری برای رشد اخلاقی، معنوی و اجتماعی انسان به‌شمار می‌رود؛ دیدگاهی که مبنای انسان‌شناختی حکمرانی متعالی را تقویت می‌کند.

رادفر (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «نظام مالی اسلامی، رویکردی کارآمد برای اقتصاد در حکمرانی اسلامی» نشان داد که پیوند عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و ارزش‌های اخلاقی می‌تواند به پیامدهای پایدار حکمرانی منجر شود و این پیامدها، بُعد کارکردی حکمرانی متعالی را تبیین می‌کنند.

آقازاده و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «سازوکار تدوین راهبردهای روزآمد حکمرانی بر مبنای آموزه‌های اسلامی» به این نتیجه رسیدند که ادبیات داخلی فاقد الگوی مفهومی منسجم از حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است و بر ضرورت استفاده از چارچوب‌های تحلیلی چندسطحی، از جمله الگوی سه‌شاخگی تأکید کردند.

الگوی سه‌شاخگی و اهمیت آن در بررسی‌های رفتاری

الگوی سه‌شاخگی یکی از الگوهای شناخته‌شده و پرکاربرد در تحلیل و شناسایی ابعاد گوناگون پدیده‌ها، مسائل و آسیب‌های سازمانی به‌شمار می‌رود. بر اساس این الگو، پدیده‌های مرتبط با سازمان و مدیریت را می‌توان در قالب سه دسته کلی عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای بررسی و تحلیل کرد. میرزایی اهرنجانی (۱۳۷۷) معتقد است تحلیل جامع سازمان و مدیریت مستلزم توجه هم‌زمان به این سه دسته عامل است. با این حال، باید توجه داشت که الگوی سه‌شاخگی اگرچه ریشه در ادبیات سازمان و مدیریت دارد، اما برای کاربرد در سطح حکمرانی عمومی (که موضوع آن جامعه و تعامل دولت - ملت است)، نیازمند بازتعریف و گسترش مفاهیم است. تمایز اساسی میان مدیریت و حکمرانی در این است که مدیریت بیشتر بر اداره کارآمد سازمان‌ها ناظر است، در حالی که حکمرانی به فرایندهای توزیع قدرت، تعامل نهادها و شکل‌گیری نظم اجتماعی در سطح کلان می‌پردازد (Rhodes, 1996; Stoker, 1998). بر این اساس، در این پژوهش ابعاد سه‌گانه الگوی سه‌شاخگی به سطح حکمرانی عمومی تعمیم داده شده است: این عوامل به‌عنوان بسترهای غیر زنده، اما حیاتی سازمان، در عملکرد و پایداری آن نقش اساسی ایفا می‌کنند (سرلک و میرزایی اهرنجانی، ۱۳۹۴). در برابر، بعد رفتاری یا محتوایی سازمان به انسان‌ها و روابط انسانی درون سازمان اشاره می‌کند. این بعد شامل الگوهای رفتاری، هنجارهای حاکم، ارتباطات غیر رسمی و تعاملات اجتماعی است که به‌صورت درهم‌تنیده، محتوای اصلی و پویای سازمان را شکل می‌دهد. عوامل رفتاری، به‌عنوان عناصر زنده سازمان، نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات، پویایی و اثربخشی آن دارد (سرلک و میرزایی اهرنجانی، ۱۳۹۴). بعد زمینه‌ای نیز شامل مجموعه شرایط، عوامل و متغیرهای محیطی و برون‌سازمانی است که سازمان در تعامل پیوسته با آن‌ها قرار دارد. این بعد شامل نظام‌های کلان

پیرامونی مانند دولت، بازار، مشتریان و دیگر نظام‌های محیطی است که بر عملکرد و جهت‌گیری سازمان تأثیرگذار است. بعد زمینه‌ای، به‌عنوان بنیادی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین شاخه الگوی سه‌شاخگی، نه‌تنها نقش کلیدی در بقا و رشد دو بعد ساختاری و رفتاری دارد، بلکه در بسیاری موارد خود منشأ شکل‌گیری آن‌ها نیز به‌شمار می‌رود. از این دید، می‌توان بعد زمینه‌ای را به‌عنوان متغیر مستقل و ابعاد ساختاری و رفتاری را به‌عنوان متغیرهای واسطه در تحلیل‌های سازمانی در نظر گرفت (محمودی میمند و همکاران، ۱۳۹۱).

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش فراترکیب^۱ انجام شده است. هدف از به‌کارگیری این روش، شناسایی، تلفیق و بازتفسیر نظام‌مند مؤلفه‌ها و ابعاد حکمرانی متعالی در ادبیات علمی و متون معتبر، به‌منظور دستیابی به چارچوبی مفهومی و بومی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. روش فراترکیب این امکان را فراهم می‌کند تا یافته‌های پراکنده پژوهش‌های پیشین، در قالب الگوی مفهومی منسجم و تبیینی بازسازی شوند. به‌منظور انتخاب مطالعات مرتبط، شیوه‌نامه جستجوی نظام‌مند با معیارهای مشخص تدوین شد. بر این اساس، در پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و بین‌المللی ازجمله Cambridge، Oxford Academic، Science Direct، Web of Science، Scopus، Core، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، ایرانداک، بانک اطلاعات نشریات کشور و پرتال جامع علوم انسانی، منابع مرتبط با موضوع پژوهش جستجو شد. دسترسی پژوهشگر به منابع، اعتبار علمی پایگاه‌ها و ارتباط موضوعی مطالعات با مفاهیم حکمرانی، حکمرانی متعالی، حکمرانی اسلامی، سرزندگی و پویایی نظام‌های حکمرانی ازجمله معیارهای اصلی انتخاب منابع بود. جستجوی منابع با استفاده از کلیدواژه‌هایی مانند «حکمرانی متعالی»^۲، حکمرانی عمومی نوین^۳، حکمرانی شبکه‌ای^۴، حکمرانی چندسطحی^۵، حکمرانی مشارکتی^۶، حکمرانی اسلامی^۷، مقاصد شریعت^۸،

-
1. Meta-synthesis
 2. Transcendent Governance
 3. New Public Governance
 4. Network Governance
 5. Multi-Level Governance
 6. Collaborative Governance
 7. Islamic Governance
 8. Maqasid al-Shariah

حکمرانی اخلاق‌محور^۱، حکمرانی خوب^۲ و معادل‌های انگلیسی آن‌ها انجام شد. بازه زمانی بررسی مقالات سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ برای مقالات انگلیسی و ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴ برای مقالات فارسی بود. در مرحله نخست، پس از شناسایی اولیه مطالعات، مقالات تکراری و دارای هم‌پوشانی در دامنه موضوعی، غربالگری و پالایش، و حذف شد؛ سپس عنوان، چکیده و در مواردی متن کامل مقالات بررسی شد. در این مرحله، مقالاتی که با ابعاد حکمرانی متعالی و پویایی نظام‌های حکمرانی ارتباط مفهومی روشن نداشتند، کنار گذاشته شد. سرانجام، مجموعه‌ای از مقالات واجد شرایط برای ورود به مرحله تحلیل کیفی انتخاب شد.

به‌منظور ارزیابی کیفی مقالات منتخب، از ابزار CASP^۳ استفاده شد (CASP, 2018). این ابزار با طرح ۱۰ پرسش محوری، امکان سنجش دقت روش‌شناختی، اعتبار علمی و ارزش پژوهشی مطالعات را فراهم می‌کند. پرسش‌های اصلی این ابزار مواردی مانند وضوح اهداف پژوهش، منطق انتخاب روش پژوهش، انسجام طرح پژوهش، اعتبار روش گردآوری داده‌ها، ملاحظات اخلاقی، دقت تحلیل داده‌ها، شفافیت ارائه یافته‌ها و ارزش علمی یا کاربردی پژوهش است.

با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از مطالعات مورد بررسی ماهیت تحلیلی - مفهومی داشت، در فرایند ارزیابی کیفی، بر معیارهایی مانند وضوح هدف، منطق روش، انسجام تحلیل مفهومی، استناد به منابع معتبر و ارزش نظری پژوهش تأکید بیشتری شد. در نتیجه این ارزیابی و با بهره‌گیری از نظر خبرگان و استادان حوزه حکمرانی و مدیریت اسلامی، تعدادی از مقالات که کیفیت لازم را نداشت، حذف، و سرانجام ۳۱ مقاله به‌عنوان مبنای نهایی فراترکیب انتخاب شد.

در مرحله تحلیل، با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، محتوای مقالات منتخب بررسی، و مفاهیم، مضمون‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با حکمرانی متعالی استخراج شد؛ سپس این مفاهیم در فرایندی نظام‌مند تلفیق، بازتفسیر و یکپارچه‌سازی شد. در گام نهایی، مؤلفه‌های شناسایی‌شده با اتکا به الگوی سه‌شاخگی در سه بُعد رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای سازماندهی شد. این سازماندهی امکان تبیین جامع حکمرانی متعالی اسلامی را از دید تعامل ارزش‌ها، نهادها و بسترهای اجتماعی فراهم ساخت و مبنای تدوین الگوی مفهومی نهایی پژوهش قرار گرفت.

-
1. Ethics-based Governance
 2. Good Governance
 3. Critical Appraisal Skills Programme

یافته‌های پژوهش

پس از شناسایی و انتخاب منابع اصلی بر اساس شیوه‌نامه پژوهش، محتوای هر یک از مطالعات منتخب به صورت نظام‌مند بررسی شد و مضمون‌های کلیدی مرتبط با حکمرانی متعالی و سرزندگی نظام‌های سازمانی از آن‌ها استخراج شد. این فرایند با تمرکز بر مفاهیم بنیادین، مؤلفه‌ها و الگوهای تکرارشونده در متون انجام شد. سرانجام، حاصل این تحلیل در قالب جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. استخراج مؤلفه‌های حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی از مطالعات منتخب (فرا ترکیب)

ردیف	پژوهشگر (سال)	عنوان پژوهش	مضمون‌های کلیدی*	ابعاد الگوی سه شاخگی
۱	Auda (2021)	مقاصد شریعت و رویکرد سیستمی در حکمرانی اسلامی	عدالت غایی، عقلانیت سیستمی، خیر عمومی	ارزشی
۲	Chapra (2020)	توسعه اسلامی و حکمرانی مبتنی بر ارزش‌ها	عدالت اجتماعی، رفاه عمومی، اخلاق اقتصادی	کارکردی
۳	Hussain & Ahmed (2025)	حکمرانی مبتنی بر مقاصد شریعت	مشروعیت هنجاری، پاسخگویی اخلاقی	ارزشی
۴	Ashraf-Khan & Hossain (2025)	حکمرانی عمومی در چارچوب آموزه‌های اسلامی	شفافیت، امانت‌داری، اعتماد عمومی	ساختاری
۵	Rusydi (2025)	اخلاق حکمرانی در اسلام	اخلاق حکمرانی، مسئولیت‌پذیری	رفتاری
۶	Halim & Osmani (2025)	الگوهای معاصر حکمرانی در جوامع اسلامی	مشارکت اجتماعی، مشروعیت نهادی	ساختاری
۷	Stoker (1998)	نظریه‌های نوین حکمرانی	شبکه‌محوری، کنش جمعی	زمینه‌ای
۸	Elkington (2020)	حکمرانی پایدار و مسئولیت‌پذیر	پایداری، توازن منافع	کارکردی
۹	Hörisch et al. (2020)	مسئولیت‌پذیری اجتماعی در حکمرانی	مسئولیت اجتماعی، پاسخ به ذی‌نفعان	رفتاری
۱۰	Muff et al. (2021)	رهبری مسئولانه و حکمرانی اخلاق‌محور	شفافیت، پاسخگویی، پایداری	ساختاری
۱۱	Koen (2007)	حکمرانی مبتنی بر ذی‌نفعان	تعهد به ذی‌نفعان	کارکردی
۱۲	Estermann et al. (2009)	بلوغ دولت الکترونیک و حکمرانی شبکه‌ای	یکپارچگی نهادی، شبکه‌سازی	ساختاری
۱۳	Chaffin et al. (2016)	حکمرانی تحول‌آفرین و دگرگون‌ساز	تحول‌پذیری، ریسک‌پذیری نهادی	زمینه‌ای
۱۴	Rein & Ewert (2021)	اسلام و حکمرانی از منظر انتقادی	شورا، پاسخگویی، نظارت اخلاقی	ارزشی
۱۵	Siddiqi (2022)	سیاست‌گذاری عمومی در چارچوب حکمرانی اسلامی	عقلانیت ارزشی، سیاست‌گذاری اخلاقی	رفتاری
۱۶	Kamali (2019)	اصل اعتدال (وسطیت) در اندیشه اسلامی	اعتدال، حکمت، عدالت رویه‌ای	ارزشی
۱۷	Zaman (2020)	اقتصاد اسلامی و حکمرانی معاصر	عدالت توزیعی، رفاه پایدار	کارکردی
۱۸	Hosseini (1399)	غایت و فلسفه حکومت در اسلام	غایت‌مندی حکومت، تعالی انسانی	ارزشی
۱۹	Rezaei et al. (1400)	تحلیل مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی	عدالت، شفافیت، پاسخگویی	ساختاری
۲۰	Ahmadi & Mousavi (1401)	ارائه الگوی بومی حکمرانی اسلامی	انسیجام نهادی، مشروعیت اجتماعی	ساختاری
۲۱	Rostami & Ghasemi (1402)	الگوهای نوین حکمرانی در ادبیات اسلامی	چندسطحی‌بودن حکمرانی	زمینه‌ای

ردیف	پژوهشگر (سال)	عنوان پژوهش	مضمون‌های کلیدی*	ابعاد الگوی سه‌شاخگی
۲۲	Mirzaei Ahranjani (1377)	تحلیل سازمان و مدیریت	عوامل رفتاری و ساختاری	ساختاری
۲۳	Sarlak & Mirzaei (1394)	سرزندگی و پویایی سازمانی	پویایی انسانی، سرمایه اجتماعی	رفتاری
۲۴	Mahmoudi Meymand et al. (1391)	تحلیل عوامل محیطی و زمینه‌ای سازمان	تأثیر بستر اجتماعی	زمینه‌ای
۲۵	UNDP (1997)	اصول حکمرانی خوب	پاسخگویی، مشارکت، شفافیت	کارکردی
۲۶	Jeffery (2020)	اعتماد عمومی و حکمرانی اثربخش	اعتماد عمومی، مشروعیت	زمینه‌ای
۲۷	Lin et al. (2021)	عملکرد و اثربخشی نظام‌های حکمرانی	کارآمدی، اثربخشی نهادی	کارکردی
۲۸	Gardiner (2006)	رهبری جمعی در حکمرانی متعالی	رهبری جمعی، اعتماد	رفتاری
۲۹	Tasnim News (1404)	حکمرانی و تحقق تمدن نوین اسلامی	حکمرانی تمدنی، بومی‌سازی	زمینه‌ای
۳۰	Asad Zaman (2020)	حکومت اسلامی و مقاصد الشریعه	حکمرانی مبتنی بر مقاصد شریعت، عدالت معرفتی	ارزشی
۳۱	Mazli Malik (2019)	چارچوب حاکمیت شریعت	اصول حاکمیت شرعی در نهادهای مالی	ساختاری

* مضمون‌های کلیدی مدنظر در این پژوهش در رابطه با حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی

مؤلفه‌های بُعد ارزشی - رفتاری (محتوایی): یافته‌های حاصل از فراترکیب نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مطالعات، حکمرانی متعالی اسلامی را در وهله نخست به‌عنوان پدیده‌ای ارزشی و اخلاق‌محور تبیین کرده‌اند. در این بُعد، مؤلفه‌هایی مانند عدالت، کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری الهی، اخلاق‌محوری، امانت‌داری و صداقت به‌عنوان هسته هنجاری حکمرانی متعالی مورد تأکید قرار گرفته است. پژوهش‌هایی که بر مقاصد شریعت و جهان‌بینی توحیدی تمرکز داشته‌اند، عدالت را نه تنها هدف نهایی حکمرانی، بلکه معیار مشروعیت و کارآمدی آن دانسته‌اند؛ همچنین، مسئولیت‌پذیری حاکمان در برابر خداوند و مردم، به‌عنوان تمایز بنیادین حکمرانی اسلامی از الگوهای سکولار حکمرانی مطرح شده است. از سوی دیگر، مؤلفه‌هایی چون رهبری جمعی، مشارکت اخلاقی، تعهد ارزشی و انگیزش معنوی در میان کنشگران حکمرانی، به‌عنوان عوامل کلیدی سرزندگی و پویایی نظام حکمرانی شناسایی شد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که در حکمرانی متعالی اسلامی، رفتارهای فردی و جمعی کارگزاران در تحقق اهداف حکمرانی، نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند و بدون درونی‌شدن ارزش‌های اخلاقی، حتی کارآمدترین ساختارها نیز قادر به تولید حکمرانی متعالی نخواهند بود.

مؤلفه‌های بُعد نهادی - ساختاری: تحلیل مطالعات منتخب بیانگر آن است که حکمرانی متعالی اسلامی، افزون بر اتکا به ارزش‌ها، نیازمند نهادها و ساختارهای رسمی متناسب با این ارزش‌ها است.

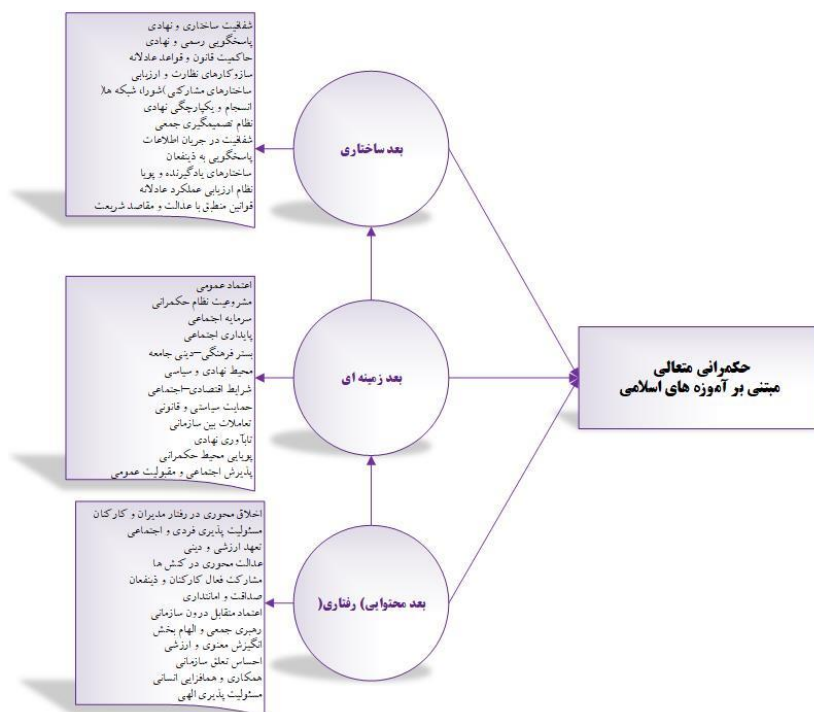
در این بُعد، مؤلفه‌هایی همچون شفافیت نهادی، پاسخگویی رسمی، حاکمیت قانون منطبق با مقاصد شریعت، سازوکارهای نظارت و ارزیابی عادلانه و ساختارهای مشارکتی مورد تأکید قرار گرفته است. بسیاری از مطالعات بر این نکته تصریح دارند که ترجمه عملی ارزش‌های اسلامی در عرصه حکمرانی، مستلزم طراحی و استقرار سازوکارهای نهادی کارآمد و شفاف است؛ همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که انسجام نهادی، یکپارچگی ساختارها و وجود نظام‌های تصمیم‌گیری جمعی، از جمله پیش‌شرط‌های تحقق حکمرانی متعالی به‌شمار می‌رود. مطالعات مرتبط با دولت الکترونیک و حکمرانی شبکه‌ای نیز بر نقش شفافیت اطلاعاتی و تعاملات نهادی در افزایش پاسخگویی و اعتماد عمومی تأکید کرده‌اند. بدین ترتیب، بُعد نهادی - ساختاری به‌عنوان واسطی میان ارزش‌های هنجاری و پیامدهای عملی حکمرانی متعالی رفتار می‌کند.

مؤلفه‌های بُعد زمینه‌ای - بستری: یافته‌های فراترکیب نشان می‌دهد که تحقق و پایداری حکمرانی متعالی اسلامی بدون توجه به شرایط و بسترهای محیطی امکان‌پذیر نیست. در این بُعد، مؤلفه‌هایی مانند اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی، مشروعیت اجتماعی، پایداری نهادی، بستر فرهنگی - دینی جامعه و شرایط اقتصادی - اجتماعی به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز حکمرانی متعالی شناسایی شد. مطالعات گوناگون بر این نکته تأکید می‌کنند که حتی در صورت وجود ارزش‌های اخلاقی و ساختارهای نهادی مناسب، ضعف در بسترهای اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به تضعیف حکمرانی و کاهش کارآمدی آن منجر شود. افزون بر این، تعاملات بین‌سازمانی، شبکه‌های حکمرانی و تاب‌آوری نهادی نیز به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی بُعد زمینه‌ای مطرح شده است. این مؤلفه‌ها نقش مهمی در سازگاری نظام حکمرانی با تحولات محیطی و چالش‌های پیچیده معاصر ایفا می‌کنند و به حفظ سرزندگی و پویایی حکمرانی متعالی کمک می‌کنند. در مجموع، تحلیل مضمون‌های استخراج‌شده از مطالعات منتخب نشان می‌دهد که حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، پدیده‌ای چندبعدی و سیستمی است که در آن، ارزش‌های اخلاقی و دینی، ساختارهای نهادی و بسترهای اجتماعی در تعامل پیوسته با یکدیگر قرار دارند. الگوی سه‌شاخگی امکان‌سازماندهی منسجم این مؤلفه‌ها را فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که هرگونه غفلت از یکی از این ابعاد می‌تواند به تضعیف کارآمدی، مشروعیت و پایداری نظام حکمرانی منجر شود. این یافته‌ها مبنای نظری لازم برای تدوین الگوی مفهومی حکمرانی متعالی اسلامی و تحلیل پیامدهای آن در بخش‌های بعدی پژوهش را فراهم می‌کند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی را می‌توان در سه بعد اصلی الگوی سه‌شاخگی تحلیل و تبیین کرد: ابعاد ساختاری - نهادی، ابعاد محتوایی (رفتاری - ارزشی) و ابعاد زمینه‌ای - بستری. هر کدام از این ابعاد نقش مکمل و هم‌افزا در تحقق حکمرانی متعالی و سرزندگی نظام حکمرانی ایفا می‌کنند. در جدول شماره ۲ این سه بعد و ویژگی‌های هر یک آورده شده است.

جدول ۲. ابعاد ساختاری، محتوایی (رفتاری) و زمینه‌ای حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی

ابعاد زمینه‌ای حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی	ابعاد محتوایی (رفتاری) حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی	ابعاد ساختاری حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی
اعتماد عمومی	اخلاق‌محوری در رفتار مدیران و کارکنان	شفافیت ساختاری و نهادی
مشروعیت نظام حکمرانی	مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی	پاسخگویی رسمی و نهادی
سرمایه اجتماعی	تعهد ارزشی و دینی	حاکمیت قانون و قواعد عادلانه
پایداری اجتماعی	عدالت‌محوری در کنش‌ها	سازوکارهای نظارت و ارزیابی
بستر فرهنگی - دینی جامعه	مشارکت فعال کارکنان و ذی‌نفعان	ساختارهای مشارکتی (شورا، شبکه‌ها)
محیط نهادی و سیاسی	صداقت و امانت‌داری	انسجام و یکپارچگی نهادی
شرایط اقتصادی - اجتماعی	اعتماد متقابل درون‌سازمانی	نظام تصمیم‌گیری جمعی
حمایت سیاستی و قانونی	رهبری جمعی و الهام‌بخش	شفافیت در جریان اطلاعات
تعاملات بین‌سازمانی	انگیزش معنوی و ارزشی	پاسخگویی به ذی‌نفعان
تاب‌آوری نهادی	احساس تعلق سازمانی	ساختارهای یادگیرنده و پویا
پویایی محیط حکمرانی	همکاری و هم‌افزایی انسانی	نظام ارزیابی عملکرد عادلانه
پذیرش اجتماعی و مقبولیت عمومی	مسئولیت‌پذیری الهی	قوانین منطبق با عدالت و مقاصد شریعت



شکل ۱. چارچوب مفهومی سه‌شاخگی حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی

الگوی مشخص‌شده این پژوهش نشان می‌دهد که تحقق حکمرانی متعالی اسلامی حاصل تعامل پویا و هم‌افزای سه بُعد اساسی شامل بُعد ارزشی - رفتاری (محتوایی)، بُعد نهادی - ساختاری و بُعد زمینه‌ای - بستری است. بُعد ارزشی - رفتاری، هسته هنجاری و اخلاقی حکمرانی را تشکیل می‌دهد و بر اصولی چون عدالت، کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری الهی و اخلاق محوری کنشگران حکمرانی تأکید می‌کند. بُعد نهادی - ساختاری، بر سازوکارها، قواعد و نهادهای رسمی حکمرانی ناظر است که ارزش‌های اسلامی را در قالب ساختارهای عینی، شفاف، پاسخگو و مشارکت‌محور متجلی می‌سازد. بُعد زمینه‌ای - بستری نیز بیانگر شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نهادی پیرامون نظام حکمرانی است که زمینه تحقق، پایداری و سرزندگی حکمرانی متعالی را فراهم می‌آورد. برهم‌کنش پیوسته این سه بُعد، به شکل‌گیری حکمرانی متعالی اسلامی پویا، عادلانه، پاسخگو و تمدن‌ساز منجر می‌شود که پیامدهایی چون افزایش اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی، کارآمدی نهادی و تحقق خیر عمومی را در پی دارد.

برای اعتبارسنجی الگو، از ضریب کاپای کوهن استفاده شد. در این راستا، چهار نفر از خبرگان حوزه رفتار سازمانی به منظور ارزیابی الگوی ارائه شده و سه بُعد آن (زمینه‌ای، محتوایی/رفتاری و ساختاری) دعوت شدند. از هر یک از خبرگان خواسته شد که به هر یک از ابعاد و مؤلفه‌های آن، در یک مقیاس سه درجه‌ای (ضعیف، متوسط، خوب) امتیاز بدهند و نظر خود را در مورد روایی الگو اعلام کنند. پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها، میزان توافق خبرگان با استفاده از ضریب کاپای کوهن محاسبه شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ضریب کاپای کوهن برای اعتبارسنجی الگوی توسعه یافته از دیدگاه خبرگان

ضریب توافق کاپا	مقدار	خطای معیار	مقدار t	سطح معناداری
۰/۶۹	۰/۰۳۱	۲/۳۳	۰/۰۰۲	

با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۱۴/۰ و میزان ضریب کاپا بیشتر از ۳/۰ است، می‌توان نتیجه گرفت که الگوی ارائه شده از روایی کافی برخوردار است و اعتبار علمی آن تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی نظامی چندبعدی، تعاملی و پویا است که تحقق آن نیازمند هماهنگی میان سه بُعد اصلی الگوی سه شاخگی؛ یعنی بعد ارزشی - رفتاری، بعد نهادی - ساختاری و بعد زمینه‌ای - بستری است (شکل شماره ۱). تحلیل فراترکیب مطالعات منتخب و متون دینی نشان داد که هر یک از این ابعاد نقش مکملی در تحقق حکمرانی متعالی ایفا می‌کنند و نبود هر یک می‌تواند کارآمدی و پایداری نظام حکمرانی را کاهش دهد.

بعد ارزشی - رفتاری (محتوایی): بعد رفتاری یا محتوایی، هسته اخلاقی و هنجاری حکمرانی متعالی را تشکیل می‌دهد و شامل ارزش‌ها و اصولی است که کنشگران حکومتی و مدیران باید در عمل رعایت کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ارزش‌هایی مانند عدالت، کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری الهی و اجتماعی، صداقت، امانت‌داری و رهبری مشارکتی، نه تنها مسیر تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را تعیین می‌کنند، بلکه زمینه‌ساز سرزندگی و پویایی نظام حکمرانی نیز هستند (جدول ۴). این نتایج با مطالعات آوده (۲۰۲۱) و غفاری و همکاران (۲۰۲۳) همسو است که بر اهمیت مقاصد شریعت و

اخلاق محوری در حکمرانی اسلامی تأکید کرده‌اند. نوآوری این پژوهش در این است که تمام مؤلفه‌های رفتاری در قالب یک بعد جامع و یکپارچه تحلیل شده است و ارتباط آن‌ها با ابعاد ساختاری و زمینه‌ای نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

بعد نهادی - ساختاری: بعد ساختاری، چارچوب اجرایی و نهادی ارزش‌ها را فراهم می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حاکمیت قانون منطبق با مقاصد شریعت، سازوکارهای نظارت و ارزیابی، ساختارهای مشارکتی و شفافیت نهادی، به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی این بعد عمل می‌کنند (جدول ۴). این بعد نه تنها امکان تحقق ارزش‌های رفتاری را فراهم می‌کند، بلکه سبب پایداری، انسجام و مشروعیت نظام حکمرانی نیز می‌شود. یافته‌ها با پژوهش‌های احمد و همکاران (۲۰۲۳) و احمدی و موسوی اصل و همکاران (۱۴۰۴) همخوانی دارد، با این تفاوت که در این پژوهش رویکرد یکپارچه و هم‌افزا بین ارزش‌ها و ساختارها تحلیل شده است، در حالی که مطالعات پیشین بیشتر بر یکی از ابعاد تمرکز داشتند.

بعد زمینه‌ای: بعد زمینه‌ای، شامل شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نهادی است که تحقق و پایداری حکمرانی متعالی را آسان می‌کند. مؤلفه‌هایی مانند اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری نهادی و مشروعیت اجتماعی در این بعد مورد توجه قرار گرفته است (جدول ۴). یافته‌ها نشان می‌دهد که حتی با وجود ارزش‌ها و ساختارهای نهادی مناسب، ضعف در بسترهای محیطی می‌تواند عملکرد حکمرانی متعالی را محدود کند. این یافته‌ها با مطالعات علی‌پور و همکاران (۱۴۰۱) و محمودی و همکاران (۲۰۱۱) همسو است و نشان می‌دهد که مدیریت محیطی و ایجاد بسترهای حمایتی، پیش شرط تحقق حکمرانی متعالی است.

ویژگی مهم الگوی ارائه‌شده، تعامل پیوسته و هم‌افزا میان سه بعد ارزشی - رفتاری، ساختاری - نهادی و زمینه‌ای - بستری است. یافته‌ها نشان می‌دهد که موفقیت و سرزندگی نظام حکمرانی در گرو هماهنگی میان رفتارها و ارزش‌ها، ساختارها و نهادها و شرایط محیطی و فرهنگی است. حکمرانی متعالی اسلامی، نظامی پویا و چندسطحی است که هر بعد، هم مستقل و هم وابسته به دیگر ابعاد عمل می‌کند (شکل شماره ۱).

نتایج این پژوهش با مطالعات پیشین در تأکید بر عدالت، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، پاسخگویی و مشارکت اجتماعی همسو است؛ همچنین اهمیت بسترهای اجتماعی و نهادی برای تحقق اهداف حکمرانی متعالی با یافته‌های پیشین مطابقت دارد. در حالی که مطالعات پیشین بیشتر بر یک بعد یا

مؤلفه خاص تمرکز داشتند، این پژوهش الگوی سه‌بعدی یکپارچه و هم‌افزا ارائه کرده است که تعامل میان ارزش‌ها، ساختارها و زمینه‌ها را تحلیل می‌کند؛ همچنین، این الگو چارچوب مفهومی بومی و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی ارائه می‌کند که امکان کاربرد در سیاست‌گذاری و مدیریت عمومی را دارد. موضوعی که در پژوهش‌های پیشین کمتر دیده شده است.

در زمینه نوآوری این پژوهش می‌توان اذعان کرد: این پژوهش موفق به تدوین الگوی مفهومی جامع سه‌بعدی بر اساس الگوی سه‌شاخگی شده است که ابعاد ارزشی - رفتاری، ساختاری - نهادی و زمینه‌ای - بستری را در چارچوبی منسجم با یکدیگر ترکیب می‌کند. این الگو با ادغام آموزه‌های اسلامی و مفاهیم نوین حکمرانی متعالی، چارچوبی بومی و تمدنی برای جوامع اسلامی ارائه می‌دهد و امکان تلفیق ارزش‌ها، ساختارها و بسترهای محیطی را برای ارتقای حکمرانی فراهم می‌کند. در این میان، سرزندگی و پویایی نظام حکمرانی به‌عنوان نتیجه تعامل میان این سه بعد برجسته شده است و نشان می‌دهد که تحقق حکمرانی متعالی نیازمند هماهنگی میان اصول اخلاقی، سازوکارهای نهادی و شرایط محیطی است. افزون بر این، اعتبارسنجی الگو با استفاده از نظر خبرگان و تحلیل ضریب کاپا انجام شد که بر اصالت، دقت علمی و توان اتکای عملی الگو تأکید می‌کند.

این پژوهش نشان می‌دهد که حکمرانی متعالی اسلامی، فراتر از مدیریت صرف ساختارها و فرایندها است و تحقق آن نیازمند هماهنگی میان ارزش‌ها، سازوکارهای نهادی و شرایط محیطی است. یافته‌ها تأکید می‌کنند که این الگو می‌تواند به‌عنوان چارچوب راهبردی برای طراحی، ارزیابی و بهبود نظام‌های حکمرانی در جوامع اسلامی مورد استفاده قرار گیرد و پیامدهایی چون تقویت اعتماد عمومی، افزایش سرمایه اجتماعی، ارتقای مشروعیت و پایداری نهادی، تحقق عدالت و رفاه عمومی را به‌همراه داشته باشد (جدول شماره ۱، جدول شماره ۲، شکل شماره ۱).

پیشنهادهای

بر اساس یافته‌های پژوهش و الگوی سه‌بعدی حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، پیشنهادها برای بهبود نظام‌های حکمرانی در جوامع اسلامی به‌شرح زیر مطرح می‌شود:

- تقویت ساختارهای نهادی مبتنی بر شفافیت و پاسخگویی: با توجه به اهمیت بعد ساختاری - نهادی، سازمان‌ها و نهادهای حکمرانی می‌توانند با طراحی و تقویت سازوکارهای شفافیت، پاسخگویی رسمی و سازوکارهای نظارت و ارزیابی، پایگاه اعتماد عمومی و مشروعیت حکمرانی

را افزایش دهند. به کارگیری سامانه‌های تصمیم‌گیری جمعی، شوراها و شبکه‌های مشارکتی سبب ارتقای انسجام نهادی و کاهش تمرکز قدرت می‌شود. به‌طور عملی، این پیشنهاد می‌تواند شامل تدوین چارچوب‌های قانونی شفاف، گزارش‌دهی پیوسته عملکرد سازمانی و ارزیابی‌های مستقل از عملکرد مدیران و نهادها باشد.

- ارتقای فرهنگ اخلاق‌محوری و رفتارهای هنجاری در مدیران و کارکنان: بعد محتوایی - رفتاری پژوهش نشان می‌دهد که اخلاق‌محوری، مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، عدالت‌محوری و صداقت در کنش‌ها از ارکان اساسی حکمرانی متعالی اسلامی است. پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی و تربیتی ویژه مدیران و کارکنان طراحی شود تا ارزش‌های اخلاقی، تعهد دینی و مسئولیت اجتماعی تقویت شود. به‌عنوان مثال، برگزاری دوره‌های توسعه رهبری ارزشی، کارگاه‌های مدیریت تعارض و اخلاق حرفه‌ای و همچنین برنامه‌های انگیزش معنوی و مشارکتی می‌تواند رفتارها و تصمیمات سازمانی را با اصول حکمرانی متعالی هماهنگ کند.

- تقویت بسترهای زمینه‌ای و محیطی حکمرانی: یافته‌ها نشان می‌دهد که اعتماد عمومی، مشروعیت نظام، سرمایه اجتماعی و پذیرش اجتماعی به‌عنوان ابعاد زمینه‌ای، در تحقق حکمرانی متعالی نقش حیاتی دارد؛ بنابراین، نهادهای حکمرانی باید با تقویت مشارکت جامعه، شفاف‌سازی فرایندهای سیاست‌گذاری و توسعه حمایت قانونی و نهادی، بستر لازم برای عملکرد بهینه را فراهم کنند. به‌طور عملی، می‌توان از سازوکارهای مشورتی عمومی، شفاف‌سازی قوانین و شبکه‌های تعامل میان نهادهای دولتی و جامعه مدنی استفاده کرد تا مشروعیت و اعتماد اجتماعی افزایش یابد.

- ایجاد نظام یادگیرنده و پویا برای بهبود مستمر حکمرانی: بعد ساختاری - نهادی و بعد رفتاری پژوهش بر اهمیت انعطاف‌پذیری و پویایی سازمانی تأکید می‌کند. پیشنهاد می‌شود نهادهای حکمرانی با ایجاد ساختارهای یادگیرنده، بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی و مدیریت دانش و همچنین توسعه ظرفیت‌های نوآوری سازمانی، توانایی خود را برای پاسخ به تغییرات اجتماعی، اقتصادی و محیطی افزایش دهند. به‌عنوان نمونه، اجرای سامانه‌های ارزیابی عملکرد پویا، بازخورد پیوسته از ذی‌نفعان و جلسات مشترک میان نهادهای گوناگون می‌تواند سبب یادگیری سازمانی و ارتقای کارآمدی حکمرانی شود.

- تلفیق ارزش‌های اسلامی با اصول نوین حکمرانی متعالی: یافته‌ها نشان می‌دهد که همسویی ارزش‌ها و اخلاق اسلامی با مفاهیم نوین حکمرانی متعالی می‌تواند چارچوبی بومی و اثربخش برای

جوامع اسلامی فراهم کند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در فرایند سیاست‌گذاری، طراحی ساختارها و تصمیم‌گیری‌ها، همواره اصول عدالت، کرامت انسانی، مشارکت اجتماعی و مقاصد شریعت به‌عنوان مبنا در نظر گرفته شود. این تلفیق می‌تواند شامل بازطراحی قوانین و سازوکارها مطابق با مقاصد شریعت، برنامه‌های مشارکت مردمی و سیاست‌های رفاه اجتماعی مبتنی بر عدالت توزیعی باشد تا حکمرانی نه تنها کارآمد بلکه متعالی و قابل اعتماد شود.

پژوهشگران آینده می‌توانند ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی را در سطوح ملی، استانی و سازمانی به‌طور جداگانه بررسی کنند تا تأثیر تفاوت‌های محیطی و نهادی بر ابعاد ساختاری، محتوایی و زمینه‌ای حکمرانی مشخص شود و چارچوب‌های تطبیقی ارائه شود؛ همچنین مطالعات بعدی می‌تواند با استفاده از روش‌های کمی، الگوسازی معادلات ساختاری یا تحلیل مسیر، میزان تأثیر هر یک از ابعاد ساختاری، محتوایی و زمینه‌ای بر نتایج عملکردی نظام‌های حکمرانی را اندازه‌گیری کنند و شاخص‌های کمی برای سنجش حکمرانی متعالی ارائه دهند.

قدردانی

نویسندگان این پژوهش، نهایت قدردانی و سپاس ویژه خود را از همکاری مشارکت‌کنندگان، حمایت فکری داوران ناشناس و ویراستار علمی و ادبی این نشریه اعلام می‌کنند.

فهرست منابع

- امیدی، علی و امیدی، الهام (۱۴۰۴). شناسایی مؤلفه‌های کلیدی توانمندسازی منابع انسانی از دیدگاه امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) براساس آموزه‌های نهج‌البلاغه، **مطالعات دین، معنویت و مدیریت**، ۱۲(۲۵): ۲۰۵-۱۶۱. <https://doi.org/10.30471/rsm.2025.10937.1461>
- امیدی، علی و اربابی، اسلام (۲۰۲۵). بررسی تأثیر مشروعیت سازمانی بر حکمرانی متعالی؛ تحلیل نقش میانجی سبک رهبری اخلاق‌مدار (مورد مطالعه: استانداری استان لرستان)، **حکمرانی متعالی**، ۵(۴): ۱۸۲-۱۴۹.
- بهرامی، محمد (۲۰۲۵). پیامدهای حکومتی عدالت‌محوری در حکمرانی اسلامی؛ بر پایه تحلیل متون دینی، **مطالعات حکمرانی اسلامی**، ۱(۲): ۱۸۶-۱۶۵.
- براتی‌نژاد، مینا؛ حیدری، محمدعلی و توکلی، احمدرضا (۱۴۰۴). سیاست‌گذاری ناظر بر فرایند یاددهی - یادگیری به‌منظور تحقق حکمرانی مطلوب در پرتو فقه امامیه، **پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست**، ۸(۲): ۱۷-۱.
- رادفر، علیقلی (۲۰۲۲). نظام مالی اسلامی، رویکردی کارآمد برای اقتصاد در حکمرانی اسلامی، **رهیافت‌های نوین در مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی**، ۱(۱): ۶۲-۴۳.
- غفاری ساروی، مصطفی و انصاری بارده، رضا (۲۰۲۳). پویایی‌شناسی الگوی حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران؛ توصیف و توصیه‌های سیاستی بر مبنای خوانشی از دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، **مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی - ایران**، ۱۱(۳): ۱۵۲-۱۲۹.
- عابدی درچه، محسن؛ زارعی، بهادر؛ احمدی، سیدعباس و پیشگاهی‌فرد، زهرا (۲۰۲۲). تبیین مقایسه‌ای دو رویکرد حکمرانی متعالی اسلامی و حکمرانی خوب، **پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، ۱۱(۳): ۲۷۴-۲۳۳.
- علی‌پور، حسین و کرامت، فرهاد (۱۴۰۱). حکمرانی عمومی، برنامه‌ریزی توسعه و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، **فرایند مدیریت و توسعه**، ۳۵(۴): ۹۶-۷۵.
- ملکی، یوسف و مقدمی شهیدانی، سهراب (۱۴۰۳). تحلیل شاخص‌های حکمرانی متعالی اسلامی در مذاکرات قانون اساسی در مقایسه با حکمرانی مطلوب، **حکمرانی متعالی**، ۵(۳): ۱۰۴-۸۳.
- مرزبان، نازنین؛ عیوضی، محمدرحیم؛ دارابی، علی و خسروی، محمدعلی (۲۰۲۴). واکاوی حکمرانی متعالی: مدلی برای جهان اسلام و تبیین مؤلفه‌های آن از منظر قرآن و سنت پیامبر(ص)، **مطالعات سیاسی جهان اسلام**، ۱۳(۳): ۱۷۷-۱۴۹.
- میرزایی اهرنجانی، حسن (۱۳۷۷). **تحلیل عوامل مؤثر بر وجدان کاری و انضباط اجتماعی در سازمان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.

میرزایی اهرنجانی، حسن و سرلک، محمدعلی (۱۳۸۴). نگاهی به معرفت‌شناسی سازمانی: سیر تکامل، مکاتب و کاربردهای مدیریتی، **پیک نور - علوم انسانی**، ۳(۳): ۷۸-۶۹.

محمودی میمند؛ محمد؛ قربانی، علی و بخت‌آزمای بناب، محمد (۲۰۱۱). تجارت الکترونیک و موانع پذیرش در صنعت صادرات خشکبار، **مدیریت بهره‌وری**، ۵(۴): ۲۱۰-۱۷۹.

موسوی اصل، سید سعید (۲۰۲۵). بازخوانی علم سیاست مدرن و بازسازی دانش حکمرانی در پرتو بینش تمدنی ایرانی - اسلامی، **مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی**، ۴(۱۰): ۶۰-۳۷.

References

- Ahmad, S., Qamar, A. J., Bhatti, M. A. A., & Bashir, U. (2023). Integrating Islamic ethics with modern governance: **A comprehensive framework for accountability across religious, social, and economic dimensions**. *Al-Irfan*, 8(15), 51-79.
DOI: 10.58932/MULB0043
- Ahmadi, R., & Mousavi, S. A. (1401). Presenting an indigenous model of Islamic governance. **Journal of Islamic Management**, 30(2), 55-78.
- Al-Ramahi, N. M., Almubaydeen, T. H., & Al-Farraj, N. M. (2025). The impact of applying INTOSAI standards on financial control and accounting within the public sector governance: A perspective of public sector, Jordan. In *From Machine Learning to Artificial Intelligence: The Modern Machine Intelligence Approach for Financial and Economic Inclusion* (pp. 1603-1619). Springer Nature Switzerland.
- Ashraf-Khan, M. V., & Hossain, M. S. (2021). Governance: Exploring the Islamic approach and its relevance for the modern context. **SSRN Electronic Journal**. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3834598>
- Auda, J. (2008). **Maqasid al-Shariah as philosophy of Islamic law: A systems approach**. International Institute of Islamic Thought. ISBN: 9781565644250
- Auda, J. (2021). **Maqasid al-shariah as philosophy of Islamic law: A systems approach**. London: International Institute of Islamic Thought.
- Bernido, R. (2025). **Examining the doctrine of qualified political agency in Philippine jurisprudence and governance**. SSRN. <https://ssrn.com/abstract=5263589>
- Bovens, M. (2010). Two concepts of accountability: Accountability as a virtue and as a mechanism. **West European Politics**, 33(5), 946-967.
<https://doi.org/10.1080/01402382.2010.486119>
- Chaffin, B. C., Gosnell, H., & Cosens, B. A. (2016). Transformative governance for social-ecological systems. **Ecology and Society**, 21(4), 1-12.
<https://doi.org/10.5751/ES-08876-210412>
- Chapra, M. U. (2008). **The Islamic vision of development in the light of maqasid al-shariah**. London: International Institute of Islamic Thought.
- Critical Appraisal Skills Programme (CASP). (2018). CASP qualitative checklist. Retrieved from <https://casp-uk.net/casp-tools-checklists/>
- Cruz Romero, R. (2023). Defining transparency: A functional approach. **JeDEM - eJournal of eDemocracy and Open Government**, 15(1), 219-242.
<https://doi.org/10.29379/jedem.v15i1.714>
- Elkington, J. (2020). **Green swans: The coming boom in regenerative capitalism**. Fast Company Press. <https://books.google.com/books?id=l7fbDwAAQBAJ>

Estermann, B., Riedl, R., & Neuron, A. C. (2009). **"Integrated" and "transcendent" e-government: Keys for analyzing organizational structure and governance**. In D. GO 2009: Proceedings of the 10th Annual International Conference on Digital Government Research (pp. 162-171).

Fatmawati, D., Ariffin, N. M., Abidin, N. H. Z., & Osman, A. Z. (2022). Shariah governance in Islamic banks: Practices, practitioners and praxis. **Global Finance Journal**, 51, 100555.

Gardiner, J. (2006). Transcendent governance: From individual to collective leadership. **Public Administration Review**, 66(3), 345-358.

Halim, A., & Osmani, N. M. (2025). **Contemporary governance models in Islamic societies: A critical review**. *Islamic Governance Review*

Hörsch, J., Freeman, R. E., & Schaltegger, S. (2020). Applying stakeholder theory in sustainability management: Links, similarities, and a conceptual framework. **Journal of Business Ethics**, 167(3), 411–423. <https://doi.org/10.1007/s10551-019-041830>

Hörsch, J., Schaltegger, S., & Freeman, R. E. (2020). Integrating stakeholder theory and sustainability accounting: A conceptual synthesis. **Journal of Cleaner Production**, 275, 124097. DOI: 10.1016/j.jclepro.2020.124097

Hosseini, S. M. (1399). The goal and philosophy of government in Islam. **Journal of Islamic Governance Studies**, 2(1), 45-68.

Hussain, M., & Ahmed, S. (2025). Governance based on maqasid al-shariah: A conceptual framework. **Journal of Islamic Governance**, 12(3), 45-67.

Jeffery, C. (2020). **Public trust and effective governance**. In C. Jeffery & J. Peterson (Eds.), 'Breakthrough' political science: Multi-level governance (pp. 753-766). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198842797.003.0022>

Jeffery, C., & Peterson, J. (2020). 'Breakthrough' political science: Multi-level governance – reconceptualising Europe's modernised polity. **The British Journal of Politics and International Relations**, 22(4), 753–766.

Kamali, M. H. (2019). **The principle of wasatiyyah (moderation) in Islamic thought**. *Islam and Civilisational Renewal*, 10(1), 11-32.

Kamali, M. H., Eriouiche, M., & Mohadi, M. (2024). In focus Maqāsid al-Sharī'ah and ijtihād as instruments of civilisational renewal: A methodological perspective. **Journal of Contemporary Maqasid Studies**, 3(1), 145–174.

<https://doi.org/10.52100/jcms.v3i1.134>

Koen, B. V. (2007). Pressure, legitimacy and innovative behavior by public organizations. **Governance**, 20(3), 469-493.

Levi-Faur, D. (Ed.). (2012). **The Oxford handbook of governance**. Oxford: Oxford University Press. DOI: 10.1093/oxfordhb/9780199560530.001.0001

Lin, K. J., Lu, X., Zhang, J., & Zheng, Y. (2021). State capacity and public service performance: The role of governance. **Governance**, 34(4), 1023-1042.

<https://doi.org/10.1111/gove.12578>

Mahmoudi Meymand, M., Ghorbani, A., & Bakhtazmay Bonab, M. (1391). E-commerce and adoption barriers in the dried fruit export industry. **Quarterly Journal of Productivity Management**, 5(4), 179-210.

Malik, M. (2019). Shariah governance framework for Islamic financial institutions. **ISRA International Journal of Islamic Finance**, 11(2), 156-172.

<https://doi.org/10.1108/IJIF-07-2018-0077>

Mirzaei Ahranjani, H. (1377). **Analysis of factors affecting work conscience and social discipline in organizations** [Master's thesis]. Islamic Azad University of Qazvin.

Muff, K., & Liechti, A. (2021). **The five principles of sustainability governance: A new framework for corporate sustainability**. *Sustainability*, 13(6), 3135.

<https://doi.org/10.3390/su13063135>

Omidi, A., Arbab, H., & Eslam, M. (2025). **Investigating the effect of organizational legitimacy on transcendent governance: Analyzing the mediating role of ethical leadership style (Case study: Lorestan Province Governorate)**. *Quarterly Journal of Transcendent Governance*, 5(4), 149-182.

Pierre, J., & Peters, B. G. (2000). **Governance, politics and the state**. Basingstoke: Macmillan. ISBN: 0333718488

Rahbarqazi, M., & Ebrahimi, M. (2025). **Governance challenges from the perspective of the Supreme Leader: A grounded theory approach**.

Rahim, M., Saadin, N. F., & Mohd, M. I. (2023). The influence of Islamic governance disclosure on Islamic bank's financial performance in Malaysia. **International Journal of Academic Research in Accounting, Finance and Management Sciences**, 13(2), 843-856.

Rein, M., & Ewert, C. (2021). **Islam and governance: A critical perspective**. *Critical Policy Studies*, 15(3), 312-330.

Rezaei, A., Karimi, M., & Sadeghi, H. (1400). Analysis of the components of Islamic governance. **Iranian Journal of Public Policy**, 7(3), 89-110.

Rostami, F., & Ghasemi, M. (1402). New governance models in Islamic literature. **Iranian Journal of Political Science**, 15(4), 112-135.

Rusydi, A. (2025). Akhlaq al-hukm: Ethics of governance in Islam. **Journal of Islamic Ethics and Governance**, 8(1), 23-45.

Sarlak, M. A., & Mirzaei Ahranjani, H. (1394). **Organizational vitality and dynamics**. **Management Research in Iran**, 19(3), 87-105.

Siddiqi, M. N. (2022). **Public policy within the framework of Islamic governance**. *Islamic Economic Studies*, 30(1), 45-67.

Stoker, G. (1998). Governance as theory: Five propositions. **International Social Science Journal**, 50(155), 17-28.

<https://doi.org/10.1111/1468-2451.00106>

Tasnim News Agency. (1404). **Governance and the realization of the new Islamic civilization**. *Tasnim News*, 15(4).

Torring, J., Peters, B. G., Pierre, J., & Sørensen, E. (2012). **Interactive governance: Advancing the paradigm**. Oxford: Oxford University

Press:<https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199596751.001.0001>

United Nations Development Programme (UNDP). (1997). **Governance for sustainable human development**. New York: UNDP.

<https://www.undp.org/publications/governance-sustainable-human-development>

Zaman, A. (2020). **Islamic governance: Maqasid approach**. *Islamic Economic Studies*, 28(1), 1-22. <https://www.emerald.com/insight/publication/issn/1319-1616>

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

